

ارائه الگوی جایگاه زن در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران

محسن افروغ^۱، سعید باغستانی^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی موسسه امام خمینی رحمته، قم، ایران.

afroughmohsen@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی موسسه امام خمینی رحمته، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

baghestani123@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۵/۲]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۲/۳/۵]

چکیده

انقلاب اسلامی، باعث برهم خوردن نظام دوقطبی جهان و ظهور ایده جدید حاکمیت جدیدی گردید که حاکمیت را از آن خداوند می‌داند. این نظام اصول و چارچوب‌های خود را بر اساس ایدئولوژی اسلامی بنا نموده که آرمان‌ها، اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای آن‌ها طراحی و اجرا می‌گردد. حکمرانی مطلوب و عالی، یکی از اهداف عالی نظام اسلامی است. جامعه اسلامی برای رسیدن به حکمرانی عالی و تمدن جهانی نیازمند آن است که برای تمامی عاملین و کنشگران جامعه طرح و برنامه ارائه دهد. لذا از آنجایی که بیش از نیمی از جامعه را «زنان» تشکیل می‌دهند بر حکومت اسلامی لازم است تا الگویی در حکمرانی خود برای آنان داشته باشد. در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی تحلیلی برای توضیح حاکمیت اسلامی و الزامات مطرح‌شده استفاده شده است. حاصل این تحقیق الگوی حکمرانی اسلامی در حوزه زنان با تشریح شاخص‌های مرتبط است. یافته‌های تحقیق را باید در مجموعه‌ای منظم و مرتبط در سه نظام معرفتی-فلسفی، ارزشی و انگیزشی و ساختاری دنبال کرد. در واقع برای رسیدن به الگوی حکمرانی زنان باید سه نظام مذکور همانند یک هندسه مشخص عمل کنند که نتیجه آن نمونه «الگوی سوم زنان» است.

واژگان کلیدی: زن، الگو، حکمرانی اسلامی، جمهوری اسلامی، ساختار.

۱- مقدمه

آنچه امروز موجب تفاوت و امتیاز جمهوری اسلامی ایران از دیگر کشورهای جهان شده است، تلاش این نظام برای تحقق اسلام ناب در ساحت‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی و حرکت بر مدار اسلام است. مدعای اصلی انقلاب اسلامی ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی است که در هدف و خط‌مشی‌های جامعه و حاکمیت، شیوه‌ها و روش‌های حکمرانی، نقش و مشارکت مردمی، نظامات اداری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، قوانین الهی و روح معنوی اسلام حاکم است. این انتظار زمانی قابل تحقق است که الگوی مطلوب حکمرانی زنان بر اساس مبانی اسلامی تدوین گردد و سپس شاخص‌ها و معیارهای لازم مشخص شود.

جمهوری اسلامی ایران که توانسته است حرف نویی در تطابق ارزش‌ها با مردم را در میدان عمل محقق کند به قطع با پشتوانه معرفتی خود در حوزه زنان، می‌تواند الگویی کامل را در عرصه زنان ارائه کند؛ اما علی‌الدوام این سؤال همچنان باقی است که چرا نقطه قوت نظام اسلامی به پاشنه آشیل آن تبدیل شده و راه اصلاح این وضعیت از چه مسیری باید عبور کند و اساساً الگوی مطلوب در حکمرانی چیست؟

لازم به ذکر است که در مواجهه‌هایی که با مسائل زنان صورت گرفته در تمامی سطوح مختلف حاکمیت سؤالات و ابهاماتی وجود دارد که جایگاه اصلی زنان کجاست؟ و نحوه برخورد و مواجهه چگونه باید باشد؟ با توجه به نقش زنان در جامعه به‌عنوان نیمی از اعضای آن و همچنین تربیت‌کنندگان نیم دیگر آن، سیاست‌گذاری حکمرانی در حوزه زن و خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این‌رو است که در این تحقیق به بررسی ساختارهای کلی تشکیل یک حکمرانی مطلوب در عرصه زنان اشاره کرده و به ساخت‌های معرفتی، ارزشی و هنجاری و ساختاری اشاره خواهیم کرد و در نهایت الگوی مطلوب و تأیید شده حکمرانی زنان را در قالب «الگوی سوم زنان» بیان می‌کنیم.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در آغاز مسیر نگارش، گمان بر آن بود که در راستای این موضوع، به هر کتابخانه‌ای گام نهاده شود، در زمانی اندک، با انبوهی از مطالب مواجه خواهیم شد، لکن در عمل این امر واقعیت نداشت. یکی از عمده‌ترین مشکلات زن‌پژوهان، اکتفا به جنبه فردی، روان‌شناختی و صرفاً جامعه‌شناختی مسائل زنان است و لذا هدف این نوشته که در پژوهش‌های انجام‌شده از آن غفلت شده، پرداختن به مسائل زنان با رویکرد حکومت‌داری و حکمرانی و نگاه سیاسی است که تاکنون به‌صورت مستقل اثری با این دیدگاه نگارش نشده است (هدایت‌نیا گنجی، ۱۴۰۲).

پژوهش‌های فراوانی پیرامون زوایای گوناگون حکمرانی اسلامی و حکومت اسلامی نگارش یافته است که به زوایای مختلف فلسفی، جامعه‌شناختی و سیاسی حکمرانی پرداختند. به‌عنوان نمونه، کتاب «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت» نوشته قلی‌پور (۱۳۸۸)؛ کتاب «اصول حکمرانی خوب در پرتو آراء دیوان عدالت اداری ایران» اثر قشقایی نژاد (۱۳۹۵) و کتاب «حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام» نوشته رخشانی (۱۳۹۶) و کتاب «درآمدی بر حکمرانی خوب» نوشته مقدری (۱۳۹۵) در این زمینه وجود دارد.

در مقابل، تألیفات و پژوهش‌های مسائل زنان بیشتر با رویکرد جامعه‌شناسی و مسئله محوری خرد نگارش شده است. به‌عنوان مثال، کتاب «هویت و نقش‌های جنسیتی» نوشته زیبایی‌نژاد (۱۳۹۴)؛ کتاب «درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)» اثر زیبایی‌نژاد و سبحانی (۱۳۹۰)؛ «الگوی سوم، الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه» به قلم هدایت‌نیا

گنجی (۱۳۹۵) و کتاب «تحلیلی بر مهم‌ترین مسائل زن و خانواده در ایران: بیانیه‌های علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده از سال ۸۱ تا ۹۲» نوشته زیبایی نژاد (۱۳۹۳) وجود دارد.

اما پژوهش و تحقیقات با ترکیب «حکمرانی و زنان» محدود به مقاله بوده مانند: «مقایسه رویکرد حکمرانی در حوزه زنان و خانواده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ بر اساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام» نوشته سیاح و شرفی (۱۳۹۹) و «بررسی رویکرد تغییر در اجرای مسائل زنان در عرصه حکمرانی» اثر شجریان (۱۳۹۹) نگارش شده است. این دو مقاله به صورت کلی به برخی مؤلفه‌های حکمرانی زنان اشاره می‌کنند که نمی‌تواند خروجی آن‌ها یک الگوی منسجم ارائه دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در زمینه حکمرانی زنان اثر مستقل نداریم و همچنین تمامی مباحث ناظر به علوم اجتماعی است. از این رو لازم است با نگاه کلان سیاسی و راهبردی در زمینه حکمرانی به این مسئله پرداخته شود.

۲-۱- مفهوم شناسی

ورود اصولی، هدفمند و دارای ساختار به یک مسئله و همچنین اتخاذ موضعی روشن برای جلوگیری از سوء برداشت‌های احتمالی؛ نیازمند تبیین مفهومی واژه‌های اصلی این نگارش است. لذا در ابتدا به بازشناسی مفاهیم می‌پردازیم.

۲-۱-۱- الگو

معادل الگو در اصطلاح غربی واژه «پترن»^۱ و به معنای انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش است. در فرهنگ لغت دهخدا به معانی «سرمشق، مُقتدی، اُسوه، قدوه، مثال و نمونه» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۹). در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت، الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی است. اصطلاح الگو را انسان‌شناسان، حداقل از سال ۱۸۷۱ به مفهومی چندجانبه به‌کاربرده‌اند. این کاربرد آزاد تاکنون ادامه داشته و بر همین مبنا از الگو، گاه در توجه به کیفیت‌های رفتاری، الگوهای آرمانی و رفتاری و گاه در توجه به اصول فرهنگ‌ها یاد شده است (کولب و گولد، ۱۳۹۲). برخی الگو را به‌عنوان «بخشی که شکل یا کیفیت کل را نشان می‌دهد» و برخی آن را به‌عنوان «پیش‌نویس یا نموداری که راه معمولی یک عمل یا رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می‌دهد»، معرفی کرده‌اند. (هومن، ۱۳۸۶) درنهایت می‌توان الگو را «تجسم امر خواسته» و ملاکی برای مقایسه بین «آنچه هست» و «آنچه می‌تواند باشد» تعریف کرد.

۲-۱-۲- حکمرانی

اصطلاح حکمرانی از لحاظ ریشه‌شناسی از فعل یونانی «کوبرنائو»^۲ مشتق می‌شود و در لغت به معنای «فرماندهی، حکومت، امارت، ریاست، فرمانروایی» (دهخدا، ۱۳۷۹) و «راهبری و هدایت کردن» است (امینیان، سید تقوی، جهانیان و امامی، ۱۳۹۶). حکمرانی توسط افلاطون در رابطه چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹). در فرهنگ لغت آکسفورد حکمرانی «فعالیت یا روش حکم‌راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت زیردستان و نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. سازمان ملل متحد نیز حکمرانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور است و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است».

1 pattern
2 Kubernao

در تعریف مطلوب می‌توان بیان کرد که نظام حکمرانی امکان راهبری و هدایت یک کشور، سازمان یا نهاد را فراهم می‌آورد؛ همچنین حکمرانی به تصمیماتی اطلاق می‌شود که انتظارات را تعریف می‌کند، قدرت را تفویض و عملکرد را مورد تأیید قرار می‌دهد. حکمرانی به فرآیندها و نهادهایی اطلاق می‌شود که از طریق آنها تصمیمات اتخاذ گردیده و اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود (اصغری، قاسمی و کشاورز ترک، ۱۳۹۶). در نهایت تعریف مورد قبول حکمرانی «روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و همچنین روندی که منجر به تحقق و یا عدم تحقق تصمیمات می‌شود» خواهد بود (رضایی، دهقانی و کیانپور، بی‌تا).

۲-۱-۳- الگوی حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی و متکی بر مطلوبیت‌ها و خواست‌های اسلام طرح‌ریزی شده است. این الگو که بر مبنای نظریه مردم‌سالاری دینی طراحی شده است، بدیلی برتر برای مدل «حکمرانی خوب» محسوب می‌شود و می‌تواند برای ادیان و مذاهب گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. مؤلفه‌ها، اصول و شاخص‌های حکمرانی اسلامی در چارچوب سه رابطه اصلی «روابط حکومت و مردم»، «روابط حکومت با عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» و «نظام اداری و روابط اجزای حکومت قابل» طراحی و تبیین است (رک خسروانی و عین‌القضاتی، ۱۳۹۸ و مرشدزاده، ۱۳۹۶).

۲-۲- جمهوری اسلامی

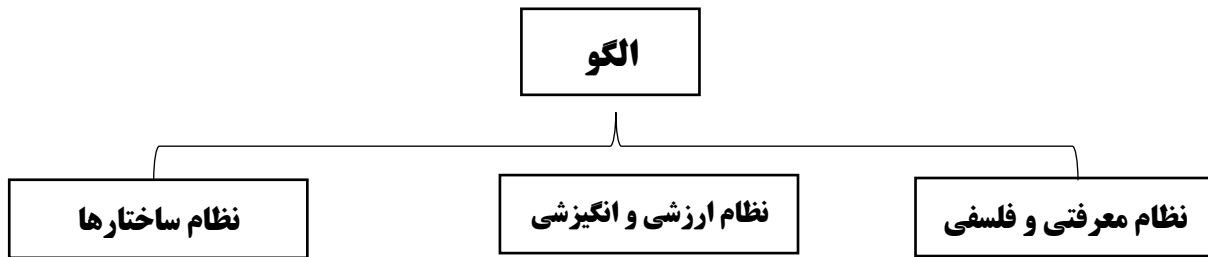
جمهوری اسلامی را نخستین بار امام خمینی در ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷ در مصاحبه با خبرنگار «فیگارو» به کار برد که طی همه‌پرسی روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ رسمیت پیدا کرد. منظور از جمهوری، شکل حکومت، ساختار سیاسی و نحوه آرایش نهادهای آن، مطابق با آخرین دستاوردهای بشری است و منظور از اسلامی، محتوای الهی آن است. امام فرمودند: «اما جمهوری، به همان معنایی است که همه‌جا جمهوری است. لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام است. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود این‌ها بر اسلام متکی است، لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه‌جا هست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸).

۳-۲- چارچوب نظری

حکمرانی، با بازیگران مختلف سیاسی مواجه است که قطعاً یکی از آنها گروه «زنان» است که به‌مثابه یک بازیگر سیاسی در حال کنشگری هستند. بر این اساس، هدف این نوشتار رسیدن به یک الگو و نظام کامل در مسائل زنان است.

با مقدمه بیان‌شده سؤالی مطرح خواهد شد که چگونه یک تئوری و نظریه به مرحله عمل می‌رسد؟ به‌عبارت‌دیگر، فرآیند رسیدن به یک الگو در حکمرانی اسلامی چگونه است؟ در بررسی فرآیند تئوری‌های نظریه تا عمل دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، لکن با نقد و ابرام‌های مفصل در این زمینه می‌توان ادعا کرد که روش طراحی نظام بر سه محور معرفتی، ارزشی و ساختاری از مطلوب‌ترین مدل‌های ارائه باشد (اعرافی و بخشی، ۱۳۹۵؛ سبحانی، ۱۳۸۵).

نظام، در تئوری نظام‌ها به مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته گفته می‌شود که در راه رسیدن به هدف خاصی با هم هماهنگ‌اند (مدنی، ۱۳۷۲) در مسیر تدوین یک نظام حکمرانی باید سه زیر نظام برای آن در نظر گرفت که هر کدام مستقلاً نیاز به تدوین دارد. از آنجاکه هرکدام از این زیر نظام‌ها اجزای به هم پیوسته‌ای دارند که دارای هدف و هماهنگی مشخصی‌اند لذا می‌توان هر کدام آن‌ها را یک نظام دانست.



۲-۳-۱- نظام معرفتی و فلسفی

نظام معرفت‌شناسی^۱ می‌تواند بدین نحو تعریف شود: «دستگاه فکری- فلسفی، مرکب از ارکان و اجزای مختلف و متناسب و متعامل، متمایز از سایر نظام‌ها، تأمین‌کننده اهداف مشخص، مستدل و قابل دفاع، که در رویارویی با انبوه مسائل و مشکلات معرفت‌شناختی، امکان دسته‌بندی و پاسخگویی و ارائه راه‌حل را دارد. مبانی فلسفی و معرفتی در طراحی هر نظام و الگویی، مفروض است (حبیبی، ۱۳۹۴) و لازمه هر الگو و نظامی داشتن یک نظام معرفتی و فلسفی است.

گسترش و تعمیق علوم به‌خصوص علوم انسانی، در جهان معاصر بر کسی پوشیده نیست. این گسترش و تعمیق، در ساختارها و بر اساس مبانی و مرزهای معرفتی و در بستر فرهنگی خاصی صورت گرفته است؛ به‌گونه‌ای که بدون شناخت آن‌ها نمی‌توان مسائل فردی و اجتماعی انسان معطوف به هر دانش و حوزه فرهنگی خاصی را به‌درستی شناخت و راه‌حل برون‌رفت از آن‌ها را طراحی کرد که شخصیت و حقوق زن از این امر مستثنا نیست. اگرچه بسیاری این ادعا را پذیرفته‌اند که زن در دوره‌های مختلف تاریخ، به لحاظ اجتماعی متفاوت از مرد پنداشته شده و در بسیاری موارد از حقوق خود محروم بوده و به او ظلم شده است، اما اینکه منشأ تفاوت‌ها یا این ستم چیست و در نتیجه مواجهه با آن و ستم‌زدایی و احقاق حق زن چگونه میسر است، مورد اختلاف است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰).

مکاتب و نحله‌های فکری به‌خصوص جریان‌های فمینیستی، هر یک با توجه به خاستگاه اجتماعی، فرهنگی و معرفتی خویش، به تحلیل انسان، زن، جامعه و ساختار نظام‌های اجتماعی و حتی ساختارها و نظام‌های معرفتی پرداخته، به امور فوق پاسخ‌های گوناگونی داده‌اند؛ با وجود این باید گفت وجه مشترک غالب آن‌ها در جهان معاصر، انسان‌محوری و پیش‌انگاره‌های معرفتی آن‌ها مبتنی بر خودبنیادی عقل است که در جوامع غربی به دلایل مختلف شکل گرفته و رشد یافته است (رودگر، ۱۳۹۶).

در نظام معرفتی و فلسفی باید از ابتدای مسائل معرفتی با دید عدالت‌زنانه به این مسائل نگاه کرد و در مورد آنان بازتعریفی نشان داد. به‌عنوان نمونه در مبانی بعیده همچون انسان‌شناسی، غایت و معرفت‌شناختی باید جایگاه زنان مشخص شود و به سؤالی همچون فطرت زن و مرد و برابری جنسیتی زن و مرد سخن گفت؛ و اساساً به دنبال پاسخ این مسئله باشیم که هویت زن چیست؟ آیا هویت زن و مرد یکسان است؟ سپس به مبانی قریب‌تر پرداخته و اتخاذ موضع صورت بگیرد. به‌عنوان نمونه در مسائلی همچون هستی‌هدفمند، تناسب میان تکوین و تشریح، معیار ارزشمندی و ارزش‌گذاری و «مهندسی خلقت زن» تعیین موضع کنیم (زبیبی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۹۱) زیرا که اگر قائل باشیم که فطرت زنان و مردان بر اصل عدالت مبتنی است باید در تمامی مؤلفه‌ها و نظامات بعدی به این اصل پایبند باشیم و نمی‌توانیم مؤلفه‌هایی که بر این اصل مبتنی می‌شوند را کنار بگذاریم.

۱

۲-۳-۲- نظام ارزشی و انگیزشی

«نظام» به مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته گفته می‌شود که در راه رسیدن به هدف یا هدف‌های معینی، با هم هماهنگی دارند. نظام‌های سیاسی و اقتصادی و ... به مجموعه‌هایی از رفتارهای ارادی انسان که بر اساس مبانی فلسفی و مکتبی معین، در راه رسیدن

به اهداف مشخص هماهنگی دارند، گفته می‌شود (وست چرچمن، ۱۳۶۹ و موسویان، ۱۳۷۹) و «ارزش» خواست‌هایی است که انسان را به علم خاصی یا به انجام افعال خاصی دعوت می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶).

«نظام ارزشی اسلام»؛ مجموعه‌ای هماهنگ و مرتبط از دستگاه‌های مختلف بینشی، گرایشی و عملی (از جمله نظام بایدها و نبایدها) است که تمامی آن‌ها، هدف مشخصی را دنبال می‌کنند. (بخشی، ۱۳۷۹) نظام ارزشی به مجموعه‌ای نظام‌مند از ارزش‌های اسلام در زمینه‌های مختلف، گفته می‌شود. به‌عنوان مثال گفته می‌شود؛ «کار در نظام ارزشی اسلام»، قضاوت در نظام ارزشی اسلام»، «جهاد در نظام ارزشی اسلام»، «ازدواج در نظام ارزشی اسلام» و یا «زن در نظام ارزشی اسلام».

باید در نظر داشت در طراحی نظام ارزشی نظام مبانی معرفتی و فلسفی فرض گرفته می‌شود لذا ارزش‌ها مبتنی بر مبانی فلسفی و معرفتی‌اند و انگیزه‌ها نیز نباید منافاتی با مبانی معرفتی داشته باشند. ارزش‌ها در هر تفکر بیان‌کننده حسن و قبح‌هایی است آن تفکر بر رفتارهای فرد و جامعه وضع کرده است و انگیزه‌ها ابزارهای تشویقی و تنبیهی‌ای است که برای هدایت رفتارها به رعایت آن حسن و قبح‌ها از آن استفاده می‌شود. معیار حق و باطل، درست غلط، خوب و بد چیست؟

اکنون، پایه این نظام ارزشی و انگیزشی در جمهوری اسلامی، علم فقه به معنای عام آن است که پشتوانه بسیار غنی محسوب می‌شود. در واقع در جمهوری اسلامی نظام ارزشی آن مبتنی بر آیات، روایات، سیره و سنت و... است که در اصطلاح «فقه» نامیده می‌شود.

یکی از عرصه‌هایی که مورد نظر فقه بوده است، «مسائل زنان» است. در روایات و آیات بسیاری به این مسئله پرداخته شده است که در کتب مختلف بررسی شده و از آن‌ها حضور اجتماعی و حضور زنان را بررسی کردند. لکن در مرحله الگوبرداری در عرصه حکمرانی باید در برخی از مؤلفه‌های فقهی و ارزشی بررسی‌های عمیق‌تر و تخصصی‌تری داشته باشیم. برخی از اندیشمندان حوزه زنان معتقد هستند که با برخی از مؤلفه‌های فقهی سنتی نمی‌توانیم شاهد پویایی لازم در عرصه حکمرانی باشیم. به‌عنوان مثال، برخی از موضوعات حوزه زنان در فقه در حد اجازه خروج از خانه زن از شوهر، حق طلاق و... است که می‌تواند مسائل و دغدغه‌های این حوزه را بسیار تقلیل دهد.

فقه می‌تواند از مدافعیات سلبی در برابر حوزه زنان ما را به یک قدرت ایجابی و مطالبه‌گر تبدیل کند. همان‌طور که مقام معظم رهبری در دیدار با بانوان فرمودند که «در برابر فرهنگ غرب مطالبه‌گر هستیم نه پاسخگو». فقه شیعه دارای ظرفیت انتقادی است. هویت اعتراض‌آمیز فقه اجتماعی شیعه، در برابر قدرت‌های سیاسی و ویژگی واقع‌بینانه آن و جهت‌گیری عقلانی آن برای حمایت از مظلوم و محقق ساختن عدالت با اجرای حدود الهی، در عبور از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب، به نظریه‌های هنجاری آن، خصوصیت انتقادی را نیز القا می‌کند که یکی از این عرصه‌ها می‌تواند «مسائل زنان» باشد. فوکو مذهب تشیع را نه افیون توده‌ها، بلکه روح یک جهان بی‌روح معرفی کرده، می‌گوید:

«تشیع شکلی از اسلام است که با تعالیم و محتوای باطنی خود میان اطاعت صرف بیرونی و زندگی عمیق معنوی تمایز قائل می‌شود. در این شیوه که شیعیان مذهب اسلام را به‌منزله نیرویی انقلابی زیست می‌کنند، چیزی غیر از اراده به اطاعتی وفادارانه‌تر از قانون شرع وجود دارد؛ یعنی اراده به تغییر کلی هستی‌شان با بازگشت به تجربه‌ای معنوی که فکر می‌کنند در قلب اسلام شیعی می‌یابند» (فوکو، ۱۳۷۷).

احکام فقهی که می‌توان تحت عنوان «هنجار» از آن یاد کرد، به دو دسته الزامی و غیرالزامی تقسیم می‌شوند: دسته‌ای از این هنجارها، هنجارهای موقعیت‌سازند که در سطوح مختلف اجتماع دست به تعریف موقعیت‌ها می‌زنند. دسته دیگری از این هنجارها، معطوف به موقعیت‌های مذکور بوده و نقش افرادی که در این موقعیت‌ها قرار می‌گیرند را تدوین می‌کنند. دسته سوم از هنجارهای فقهی، به

روابط میان موقعیت‌ها معطوف بوده و از این طریق ساختارهای اجتماعی را طراحی می‌کنند؛ زیرا چنین این موقعیت و تدوین سلسله‌مراتب میان آن‌ها را دربر می‌گیرد (صدیق اورعی، ۱۳۸۱). دسته دیگری از هنجارهای فقهی نیز وجود دارد که با اتخاذ رویکردی انتقادی، تغییر اجتماع را در اولویت قرار داده، تحقق سه دسته قبلی را در عرصه اجتماع دنبال می‌کند. براین اساس، فقه اجتماعی در امتداد فلسفه سیاست و بخشی از علم اجتماعی است که تغییر را با اتخاذ رویکرد انتقادی و هنجاری دنبال می‌کند. زیرا اسلام در تمامی شئون خود، اجتماعی است و فقه عهده‌دار تبیین احکام اجتماعی متناسب با شرایط اجتماعی و اهداف غایی احکام است. بنابراین بازنگری همه احکام فقهی با نگرش حکومتی، امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است. تمامی این گزاره‌ها بر مسائل زنان برای رسیدن به یک نظام کلی در حکمرانی قابل صدق است که می‌توانیم مسائل زنان در حوزه هنجارهای الزامی و غیرالزامی تقسیم کرد.

همچنین به جهت پشتوانه فقهی قوانین نظام اسلامی ایران باید در این مرحله از اصلاح قوانین موجود سخن گفت و برخی از سندهایی که در این زمینه داریم به محل نقد و بررسی بکشانیم.

۲-۳-۳- نظام ساختارها

بیرونی‌ترین سطح هر نظام حکمرانی است. وظیفه ساختارها و سازوکارها در هر نظام حکمرانی پیاده‌سازی و تحقق ارزش‌هاست و میزان کارایی ساختارهای هر نظام حکمرانی بر اساس تحقق ارزش‌ها سنجیده می‌شود. مهم‌ترین بخش نظامات برای ایجاد حکمرانی مطلوب زنان ایجاد، تغییر، نوآوری و تحول در ساختارهای حکمرانی است. درواقع به‌زعم بخشی از اندیشمندان تحقق حکمرانی مطلوب در این مرحله قرار دارد و دو مرحله قبلی مبانی و پشتوانه این مرحله است:



در این بخش به ساختارهای مختلف در جهت تقویت حکمرانی مطلوب می‌پردازیم. در حکمرانی مطلوب زنان باید برخی از ساختارها همچون ساختارهای آموزشی، تولیدی، فرهنگی، پزشکی و... اصلاح شود و برخی از نهادها باید ایجاد و تقویت شود مثل شبکه سراسری زنان و خانواده.

درواقع ساختارهای موجود بر اساس تفکر مردانه نوشته شده است و چه‌بسا نیازمند بررسی مجدد ساختارها بر اساس تفکر زنان باشد. شبکه زنان باید بکوشد تا نظام‌های مرتبط با روحیات خود را در نظام حکمرانی ایجاد کند.

۲-۴- تبارشناسی الگوهای حکمرانی زنان

در نظام بین‌الملل موجود مدل‌های متنوعی در حوزه حضور و کنشگری زنان مطرح شده است. هر الگویی که از آن سخن بگوییم قطعاً برای خود دارای نظام معرفتی و فلسفی، ارزشی و انگیزشی و ساختارها را داراست. در این نوشتار مجالی برای نقد و بررسی دو الگوی مخالف نیست اما با اثبات الگوی سوم می‌توان مدل جانشینی مطلوبی را ارائه کرد.

۲-۴-۱- الگوی زن شرقی

در الگوی زن شرقی، زن هیچ اثری در فرآیند تاریخ و تمدن ندارد، انگار تنها موجودی است که وظیفه دارد بیاید و در خدمت دیگران باشد و برود. موجودی خنثی، بی‌ارزش، خدمتکار و بی‌هویت تلقی می‌شود و در این تعریف هرگز راهی به کمال ندارد. ممکن است برخی قائل باشند که در این الگو زن دارای هویت است اما هویتی منحصر به فرزندآوری و خانه‌داری؛ که در این تعریف باز هم محدود به حداقلی‌ترین عاملیت شده است. آیا این عاملیت که تمام هم و غم کنش‌گری زن تکثیر نسل باشد در شأن و جایگاه زن در دیدگاه اسلام است؟!

فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیازمند درک و فهم کامل‌تری است و به همین جهت در این الگو زنان اجازه ورود به این عرصه‌ها را ندارند زیرا احتمالاً توانایی قبول این مسئولیت را نخواهند داشت. با بررسی این الگو متوجه می‌شویم در برهه‌ای از دوران پهلوی اول، زنان ایرانی صرفاً در خانه و مشغول امورات محدود به آن بودند. در همین‌جا لازم است متذکر شویم که هرگز دیدگاه نگارنده تقلیل جایگاه امر مقدس «خانه‌داری» و «فرزندآوری» نیست؛ چه‌بسا بهترین مدال افتخار برای هر زنی باشد اما آیا خانه‌دار بودن محدود به تهیه و تدارک غذا و البسه و زُفت و رُوب خانه است؟!

۲-۴-۲- الگوی غربی

بنای مشترک جریان تجدد و تحجر «کالا دیدن» زنان است. در تحجر که زن را مایه ننگ می‌دانستند: «إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ» زیرا در جنگ‌های جاهلیت؛ قبایل متجاوز، زنان بی‌پناه را به غارت می‌بردند. باین‌وجود، اگر در تحجر زن کالایی برای «غارت» بود؛ در تجدد هم زن کالایی است برای «مصرف»؛ که نتیجه هر دو برده کردن این کنشگر است. اکنون باید دید که این دو دیدگاه چه ظلمی را بر عاملیت زنان مهر کردند و هویت آن‌ها را در باریکه نامحترم کالایی شدن قرار دادند.

زن در الگوی غربی نیز شاخص‌های لازم برای شایسته شدن ندارد، آری! زن شایسته سال داریم لکن با چه معیار و ملاکی؟! زن شایسته سال در نمونه غربی محدود به «تن و جسم» است. زن غربی باید در خدمت لیبرال و سرمایه‌داری غرب باشد. زن غربی، فعال است اما نه عرصه کمال و رشد فردی و شخصیتی خود بلکه در جهت تقویت غول‌های تجاری دنیا؛ و باز باید از اذهان با انصاف مخاطبان خود سؤال کرد که آیا این شایسته و فعال بودن ارزشی برای زن محسوب می‌شود؟! آیا می‌توان ادعا کرد که در اصطلاح سیاسی، این کنش‌گر و بازیگر مستقل در عرصه سیاسی است و عاملیت خود را دارد؟.

در این الگو به زن نگاه ابزاری، ضد دینی، برده‌کشی و مادی به جنسیت زن وجود دارد. غرب با مطرح کردن نظریه منسوخ‌شده «فمینیسم» به دنبال بهره‌وری هر چه بیشتر از این نیروی فعال و شایسته بود اما آیا به‌واقع، تساوی حقوق زن و مرد به برابری شخصیتی و روحی هم باید سرایت کند؟ اینجاست که باید دیدگان خود را به نظریه «عدالت» اسلام بگشاییم و بدانیم که اسلام قائل است عدالت در زن و مرد جاری است و تساوی برقرار است اما این تساوی هرگز به معنای تشابه حقوق زن و مرد نیست.

با وقوع انقلاب صنعتی و ماشینی شدن ابزار انگار سرعت پیشرفت اذهان و افکار انسان را ماشینی کرد و ترجیح داد که با هزینه کمتر، سود بیشتری را کسب کند. لذا مجدد به فکر برده کردن و «بهره‌کشی» از عاملیت زنان افتادند. فضای رقابت و ماشینی شدن انسانیت، در همین حد محصور نماند و برای اینکه آن کالای تولیدی توسط زنان به فروش رود تا تولید بیشتر شود مجدد از این عاملیت برای تبلیغ مصرف استفاده کردند.

حال باید بگوییم چه استعماری بالاتر از این که بهره‌کشی در تولید، بهره‌کشی در تبلیغ، بهره‌کشی در مصرف از زنان شود؟! چه زیبا گفته است حائری در کتاب تفکر که استعمار یعنی تعطیلی فکر، نه به آن معنا که اجازه ندهند شما فکر کنید بلکه حتی فرصت فکر کردن به شما ندهند. زنی که علی‌الدوام درگیر «تولید و تبلیغ و مصرف» است دیگر حتی فرصتی برای تأمل و اندیشه ندارد. باید گریزی بزنیم که باز هم از این عاملیت در گسترش دیگر استعمارات خود استفاده می‌کردند. در کتاب انقلاب پنجم الجزایر جریان استعمار فرانسوی را می‌بینیم که معتقد است نیرویی به نام زن و مخصوصاً زن مسلمان وجود دارد که روح مبارزه را در شوهران و

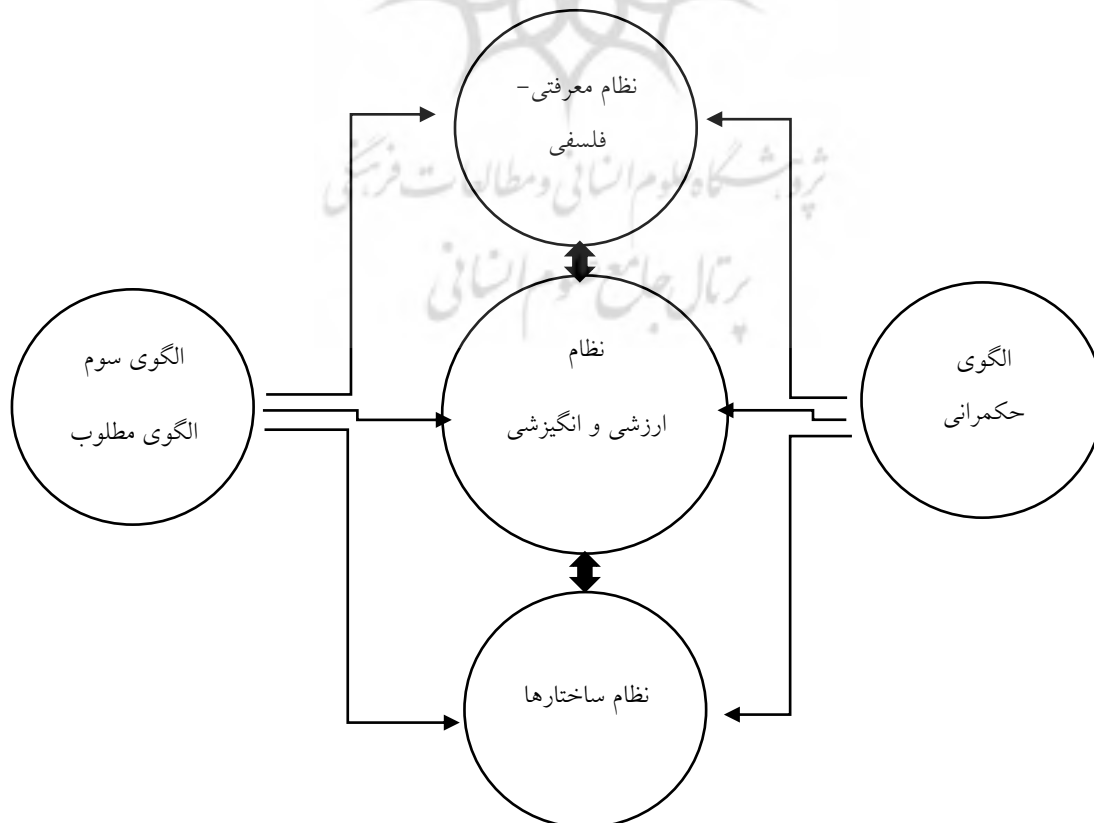
فرزندان خود نگه می‌دارد. برای همین در اکثر راهبردهای نظام سلطه می‌بینیم که به دنبال سرگرم کردن و اغوای مبارزان ضداستعمارند. فساد اخلاقی و جنسی یکی از استراتژی‌های جدی برای غافل کردن جامعه از مقاومت است و زنان در این استراتژی نقش فعالانه دارند (کدخدایی، ۱۴۰۱).

۲-۴-۳- الگوی سوم زنان

همین ابتدا لازم است، خط خود را از دو الگوی دیگر جدا کنیم و محکم بیان بداریم که مراد از الگوی سوم تلفیق دو الگوی دیگر یا به بیانی «هم شرقی و هم غربی» نیست؛ بلکه اسلام قاطعانه می‌گوید: «نه شرقی و نه غربی» و سپس نظریه عاملیت بخش خود را در حوزه زنان بیان می‌کند که با تعبیر مقام معظم رهبری با عنوان «الگوی سوم زنان» مطرح می‌شود.

ریشه این الگو را در تفکر امام می‌توان ردیابی کرد زیرا که همان ابتدا آرمان عدالت قرآنی «لیقوم الناس بالقسط» را مطرح کرد. این آرمان است که می‌تواند زن را آگاه و از دو مسیر قبلی رهایی بخشد. با همین معیار است که امام خمینی ع در وصیت‌نامه خود می‌فرماید: «زنان به میدان آمدند و این انقلاب را به پیروزی رساندند و انقلاب اسلامی به ایشان افتخار می‌کند» و «ما مفتخریم که زنان و دختران ما در راه تعالی مقاصد قرآن کریم مجاهدت می‌کنند». این دیدگاه زن را از تحجر و تجدد خارج کرد؛ و یا مقام معظم رهبری بیان می‌دارند: «حقیقت مسئله این است که زن باشرف و بااستعداد ایرانی یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به تمدن غرب زده. این‌ها دلشان پُر است؛ [این کار را] زن‌ها کردند. غیر از مجموع حرکت جمهوری اسلامی، بخصوص زن ایرانی یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها را به داعیه‌های غربی و دروغ‌های غربی وارد کرده».

ساختار الگوی سوم را نباید در جمع تضادی دو میدان خانه و اجتماع دنبال کرد، بلکه باید رویکرد تعاملی بین خانه و اجتماع داشته باشیم. لازم به ذکر است و بسا بسیار مورد تأکید است که الگوی سوم سنتز دو مدل دیگر نیست به این معنا که قائل باشیم زن مطلوب دیدگاه اسلامی «هم شرقی و هم غربی» باشد بلکه با رد دو دیدگاه قبلی «نه شرقی و نه غربی» قائل به الگوی سوم می‌است که به صورت ماهوی متفاوت است. اکنون چه ساختار و نظامی توانایی جمع بین نقش فردی و اجتماعی را در الگوی سوم زنان را دارد؟



۲-۴-۴- الگوی سوم، الگوی مناسب حکمرانی

با پشتوانه بر نظامات معرفی شده و تشریح جایگاه فطری زنان و قوانین ارزشی موجود در فقه و تنظیم ساختارها به «الگوی سوم زنان» خواهیم رسید که از ابداعات مقام معظم رهبری است. ایشان معتقد است که جایگاه زنان در حکمرانی اسلامی نه مدل غربی است که صرفاً یک کالا در خدمت حاکمیت باشد و نه مدل شرقی است که صرفاً در خانه باشد و عاملیت لازم را نداشته باشد. بلکه اسلام نگاه ترکیبی این دو را دارد و در عین اینکه زن محور خانه و خانواده است می‌تواند بر اساس نظریه «تجمع عامل» عاملیت لازم و مناسب خود را داشته باشد.

زنان بر اساس مبانی جنسیت و عاملیت در جامعه دارای حقوقی هستند اما گاه این حقوق چنان مورد تردید و انکار قرار گرفته است که والاترین آن یعنی حق حیات نیز از زنان در عصر جاهلیت سلب شده است که باز در عصر جاهلیت مدرن محصور در یک بعد کنشی شده است و گاه چنان به شخصیت ویژه وی بی‌توجهی شده است که بدون توجه به خصوصیات جسمی و روحی و روانی و با فراموشی یا انکار هویت و شخصیت زنانه‌اش به انگیزه دفاع از وی و رفع ستم از او تلاش گردیده است حقوق یکسان با مردان برای زنان ترسیم گردد. با همین بهانه گاه چنان او را به سان ابزار به صحنه اجتماع کشیده‌اند که منجر به ستم ورزی مدرن گردیده است. این ستم ورزی در جهان معاصر نه از سر جهل، بلکه با اندیشه و روش و نه از انکار شخصیت و حقوق زن بلکه با بازخوانی شخصیت و حقوق وی صورت گرفته است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰).

از این رو است که در بیان ویژگی‌های الگوی سوم زن معتقد هستیم که این الگو معتقد به اصالت خانواده و تأثیرگذار بر جامعه است (خسروپناه، ۱۴۰۱). منشأ الگوی سوم زن برخاسته از انقلاب اسلامی ایران است که توانست برای زنان هویت جدیدی خلق کند. زنانی که بدون هیچ توقع و سهم خواهی با دغدغه نسبت به انقلاب، ارزش‌ها و مبانی اصلی آن در صحنه حضور پیدا کردند.

الگوی سوم زن با کنشگری فعالی که دارد سعی می‌کند نظامات موجود را بازتعریف و نتیجه آن را به نفع خود مصادره کند. این الگو سعی می‌کند که هویت زن را به مبانی معرفتی و فلسفی پیوند زند و سعی کند هویت و هستی زنان را به فطرت و هستی‌شناسی اسلامی پیوند زند، در این صورت است که زن مسلمان می‌تواند از خود بازتعریفی در هویت اسلامی ارائه کند.

پس از پیوند جدی زن به اصل خلقت، سپس نظام ارزشی و هنجاری را مورد کنکاش قرار می‌دهد و سعی کند قوانین و حقوق خود را در حد وسیعی مورد بازبینی قرار دهد. زنانی که در سایر حکومت‌ها در فضای خانه محصور شده بودند توانستند با اتکای به آرای امام خمینی^ع در مهم‌ترین انقلاب جهان کنشگری فعال داشته باشند به گونه‌ای که ایشان فرمودند: «اگر زنان و مادران در بطن انقلاب نبودند، این انقلاب هرگز پیروز نمی‌شد».

در نهایت، الگوی سوم زن که به دنبال نقش محوری زنان در خانواده و جامعه است، بیان می‌کند که اساس حضور زن کنشگری و محوریت خانه بر اساس تأمین نیازهای عاطفی خانواده است و لذا می‌تواند ساختار را به گونه‌ای تنظیم کند که در عین ایفای به نقش خانوادگی بتواند عاملیت خود را در جامعه ارتقا بخشد.

در نتیجه این پارادایم می‌کوشد که بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی زن را از محکومیت به نگاه‌های مصلح شرقی و غربی و نگاه سنتی و فرودستی به زن نجات دهد. الگوی سوم زن به دنبال ایجاد رقابت مردانه همچون مکتب‌های فمینیستی نبوده بلکه در صدد ایجاد ساختارهای منسجم و مرتبط با روحيات و ویژگی‌های زنان است.

به جهت آنکه هدف این پژوهش پرداختن به ساختار کلی این مسئله است لذا به صورت مختصر به برخی از ویژگی‌های الگوی سوم زنان اشاره می‌کنیم:

۲-۴-۱- نه شرقی و نه غربی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از مسائلی که به شکلی جدی مورد بحث و توجه افکار عمومی ایران و جهان قرار گرفت موضوع «زن» بود. انقلاب اسلامی در فضایی به پیروزی رسید که مکاتب گوناگون و ایدئولوژی‌های سکولار مدرن هر یک به فراخور مبانی و جهت‌گیری‌های خود نگاهی خاص به مقوله‌ی زن را ترویج و فرهنگ عمومی جوامع مختلف تحت تأثیر این نگاه‌ها ساخته می‌شد؛ اما انقلاب اسلامی حرف و نگاهی نو و تحول‌آفرین را در این موضوع پیش‌روی بشریت گذاشت. این نگاه جدید در قالب کنش‌گری و فعالیت «زن مسلمان ایرانی» عینیت یافت و به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «الگوی سوم زن» را تحقق بخشید. الگویی که «نه شرقی است و نه غربی»:

«زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

۲-۴-۲- کنشگری و فعال بودن زنان

نگاه انقلاب اسلامی به زن برگرفته از مبانی اسلامی است. در نگاه اسلامی هم زن و هم مرد فارغ از «جنسیت» شان می‌توانند در مسیر رشد و کمال حرکت کنند:

«نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو است؛ نگاه اول و درجه‌ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد... در زمینه‌ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا، مثل حضرت زینب، مثل حضرت مریم هستند؛ رتبه‌شان، رتبه‌های فوق تصور امثال ماهاست... جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می‌کند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد.» (همان، ۱۳۹۰)

از سوی دیگر تفاوت‌های دو جنس در نقش‌ها و قالب‌ها نیز مورد توجه است: «من متأسفم که گاهی خود خانم‌ها، خود بانوان، روی این مسئله حساسیت نشان می‌دهند که ما با مردها چه فرقی داریم؟ خب بله در خیلی از مسائل هیچ تفاوتی نیست. نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله‌ی انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالب‌ها دو قالب است: یک قالب برای یک کار و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است؛ البته کارهای مشترکی هم وجود دارد. [آیا] این خدمت است که ما بیاییم یکی از این دو قالب را از منطقه‌ی اختصاصی خودش بکشیم بیرون، ببریم در منطقه‌ی اختصاصی آن قالب دیگر؟ این کاری است که غربی‌ها دارند می‌کنند.» (همان، ۱۳۹۳)

زن در این الگو در عین اینکه عنصری «در حاشیه و دست‌دوم» نیست، «ابزار تمتع و سوءاستفاده‌ی دیگران و بهره‌برداری‌های غیرانسانی نیز نیست. زنی که ذیل این انقلاب الهی ظهور کرد تعریفی جدید از زن ارائه داده است. تعریفی که جهانی و بن‌بست‌شکن معضلات زنان در عصر مدرن است.

۲-۴-۳- غلبه بر الگوی مادی غربی

امروز و با گذشت سالیانی از انقلاب اسلامی همچنان کشمکش جدی و اساسی بین «الگوی زن مسلمان» با «الگوی مادی غربی» در جریان است. غربی‌ها همواره در تلاشند نگاه و عملکرد غلط خود را در دنیا رایج کنند و در این مسیر هوچیگری‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای را همواره در دستور کار دارند. نگاه انقلاب اسلامی به مقوله‌ی زنان درست در مقابل نگاه غربی قرار دارد. فرهنگ غربی با ایجاد یک «نامعادله» در مسئله‌ی زنان عملاً این قشر را وسیله‌ی «انتفاع» و بهره‌برداری‌های گوناگون قرار داده است:

«یک نامعادله‌ای را به تدریج به وجود آورده‌اند؛ یک‌طرف ذی‌نفع، یک‌طرف مورد انتفاع؛ بشریت را این‌جوری تقسیم کرده‌اند. طرف ذی‌نفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این به‌طور آرام، با تدریج، با شیوه‌های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول ده‌ها سال در جوامع غربی در درجه‌ی اول و بعد در جوامع دیگر جا افتاده. شأن اجتماعی زن را این‌جوری معرفی کردند... لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد.» (همان، ۱۳۹۰)

این فرهنگ است که «بحران زن» در جهان امروز را به وجود آورده است: «شاید تعبیر «بحران زن»، تعبیر تعجب‌آوری باشد. امروز مسئله‌ی بحران آب‌وهوا، بحران آب، بحران انرژی، بحران گرم شدن زمین، به‌عنوان مسائل اصلی بشریت مطرح می‌شود؛ اما هیچ‌کدام از این‌ها مسائل اصلی بشریت نیست. بیشتر آن چیزهایی که مشکلات اصلی بشریت است، برمی‌گردد به مسائلی که ارتباط پیدا می‌کند با معنویت انسان، با اخلاق انسان، با رفتار اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر؛ که یکی از آن‌ها مسئله‌ی زن و مرد، جایگاه زن، مسئله‌ی زن و شأن زن در جامعه است؛ که این حقیقتاً یک بحران است» (همان).

۲-۴-۴- نقش آفرینی با دال مرکزی «زنان»

نقش‌آفرینان اصلی این عرصه «خود بانوان» هستند: «عمده‌ی کار را خود بانوان باید انجام بدهند. شما هستید که می‌توانید فکر کنید، اندیشه‌ورزی کنید، مطالعه کنید، معضلات را در مقام نظر و اندیشه حل کنید و در مقام عمل راهکار اجرایی ارائه بدهید. این، کار را بسیار آسان و نزدیک خواهد کرد» (همان).

نکته‌ی مهم اینکه امروز جمهوری اسلامی توانسته با اتکاء به مبانی الهی خود زنان توانمندی را در عرصه‌های گوناگون تربیت کند. تربیت این زنان فرصتی مهم برای پیشبرد حرف حق انقلاب اسلامی در موضوع زنان و فائق آمدن بر فرهنگ غلط غربی است. نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به موفقیت در این عرصه نگاهی خوش‌بینانه است به‌شرط آنکه «تلاش مستمر» و «عدم غفلت از ضعف‌ها» را به‌صورت جدی در دستور کار قرار دهیم.

«تثبیت و نهادینه‌سازی الگوی زن مسلمان» با تمسک به الگوهای برجسته‌ی دینی و غلبه بر فرهنگ منحط غربی در مسئله‌ی زنان، مأموریتی مهم و کلان برای زنان مسلمان و انقلابی ایران است: «زن ایرانی در ایران اسلامی، باید کوششش این باشد که هویت والای زن اسلامی را آن‌چنان زنده کند که چشم دنیا را به خود جلب کند. این امروز وظیفه‌ای است بر دوش زنان مسلمان... الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان. شما بدانید زنان مسلمان در بسیاری از نقاط دنیا امروز به شما نگاه می‌کنند و از شما یاد می‌گیرند.» (همان، ۱۳۷۰)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

حکمرانی در واقع می‌تواند بخش نرم‌افزاری حکومت را در یک جامعه تشکیل دهد و به سازوکارها و روابطی که منجر به اعمال حکومت دارد، اشاره می‌کند. در واقع الگوی حکمرانی اسلامی، شیوه اداره و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی است. حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی و متکی بر مطلوبیت‌ها و خواست‌های اسلام طرح‌ریزی شده است.

حکمرانی اسلام برای تمامی عاملیت‌های موجود در جامعه همچون «زنان» نقش تعریف کرده است که هر عامل باید سهم خود را ایفا کند. الگوی مناسب برای نقش زنان در حکمرانی، «الگوی سوم زنان» است که در ابتدا از سوی مقام معظم رهبری مطرح و به بررسی جوانب مختلف می‌پردازد. در این الگو سعی می‌شود ابتدا هویت زن که عاملیت مثبت و کنشگری فعال در محوریت خانواده را تبیین و سپس بر همین مبنا اعلام کند که خود زنان باید شبکه و مجموعه‌ای از درخواست‌ها و نیازهای خود را در حکمرانی پی‌ریزی و پیگیری کنند. بر این اساس باید در حکمرانی جمهوری اسلامی باید سه نظام معرفتی و فلسفی، ارزشی و انگیزشی و ساختارها مجدد مورد بررسی قرار بگیرد و بر این اساس تصمیمات، قوانین تغییر پیدا کند.

۶- منابع

- ۱- اصغری، حسنعلی؛ قاسمی، حاکم؛ و کشاورز ترک، عین‌الله (۱۳۹۶). الگوی نهادی آینده‌نگاری راهبردی منطقه‌ای در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد، ۲۶(۸۴)، ۳۷-۵۷. **dor:20.1001.1.10283102.1396.26.3.2.3**
- ۲- اعرافی، علیرضا؛ و بخشی، علی (۱۳۹۵). درآمدی بر اجتهاد تمدن ساز. قم: موسسه اشراق و عرفان.
- ۳- امینیان، ناصر؛ سید تقوی، میرعلی جهانیان، منوچهر؛ و امامی، سید محسن (۱۳۹۶). وضعیت ارزیابی شاخص‌های حکمروایی مطلوب در توسعه گردشگری شهری (مورد مطالعه: شهر تهران). اقتصاد و مدیریت شهری، ۵(۱۸)، ۱۲۷-۱۳۹. **dor:20.1001.1.23452870.1396.5.18.8.6**
- ۴- بخشی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). اهمیت و ارزش تحقیق در زمینه «مدیریت اسلامی». معرفت، ۳۳، ۱۰۱-۱۰۷.
- ۵- حبیبی، رضا (۱۳۹۴). مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی. حکمت اسرا، ۷(۳)، ۶۷-۹۷.
- ۶- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۷- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی. [/https://english.khamenei.ir](https://english.khamenei.ir)
- ۸- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). پیام به کنگره‌ی هفت هزار زن شهید کشور. [/https://english.khamenei.ir](https://english.khamenei.ir)
- ۹- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور. [/https://english.khamenei.ir](https://english.khamenei.ir)
- ۱۰- خسروانی، عباس؛ و عین‌القضاتی، پیمان (۱۳۹۸). نقش علم در فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. دانش انتظامی مرکزی، ۲۱، ۸۳-۱۴۰.
- ۱۱- خسروپناه. عبدالحسین (۱۴۰۱). الگوی سوم زن، الگوی معتقد به اصالت خانواده و تأثیرگذار بر جامعه است. [/https://www.tasnimnews.com](https://www.tasnimnews.com)
- ۱۲- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹). لغت‌نامه. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، روزنه.
- ۱۴- رخشانی، حمیدرضا (۱۳۹۶). حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام. تهران: چشم‌انداز قطب.
- ۱۵- رضایی، حسن؛ دهقانی، روح‌الله؛ و کیان پور، مهرداد (بی‌تا). طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی (دولت معیار). تهران: مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری.

- ۱۶- رودگر، نرجس (۱۳۹۶). فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۱۷- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). تحلیلی بر مهم‌ترین مسائل زن و خانواده در ایران: بیانیه‌های علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده از سال ۸۱ تا ۹۲. قم: پژوهشکده زن و خانواده (وابسته به مرکز مدیریت و حوزه علمیه خواهران).
- ۱۸- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۴). هویت و نقش‌های جنسیتی. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان/ مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- ۱۹- زیبایی‌نژاد، محمدرضا؛ و سبحانی، محمدتقی (۱۳۹۱). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب). قم: مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران).
- ۲۰- سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵). الگوی جامع شخصیت زن مسلمان. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۲۱- سیاح، مونس؛ و شرفی، نیلوفر (۱۳۹۹). مقایسه رویکرد حکمرانی در حوزه زنان و خانواده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ بر اساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام. اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی.
- ۲۲- شجریان، مهدی (۱۳۹۹). بررسی رویکرد تغییر در اجرای مسائل زنان در عرصه حکمرانی. فقه حکومتی، ۵(۱۰)، ۲۹-۵۹.
- ۲۳- صدیق اورعی. غلامرضا (۱۳۸۶). اندیشه اجتماعی در روایات امریه معروف و نهی از منکر. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- ۲۴- فوکو، میشل (۱۳۷۷). ایرانیان چه رؤیایی در سردارند؟ ترجمه حسین معصومی همدانی. تهران: هرمس.
- ۲۵- قشقایی‌نژاد، م. (۱۳۹۵). اصول حکمرانی خوب در پرتو آراء دیوان عدالت اداری ایران. جاودانه، جنگل. تهران.
- ۲۶- قلی‌پور، ر. (۱۳۸۸). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت. دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۷- کدخدایی. محمدرضا (۱۴۰۲). هویت و منزلت زن در اسلام. قم: بوستان کتاب.
- ۲۸- کولب، ویلیام؛ و گولد، جولوس (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. تهران: مازیار.
- ۲۹- مدنی، داود (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر تئوری‌های سازمان و مدیریت. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳۰- مرشدزاده، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ۲(۳)، ۳-۴۵.
- doi:10.30479/JFS.2017.1563 ۶۵**
- ۳۱- مصباح یزدی. محمدتقی (۱۳۷۶). حقوق و سیاست در قرآن. قم: موسسه امام خمینی رحمته.
- ۳۲- مقدری، مهدی (۱۳۹۵). درآمدی بر حکمرانی خوب. تهران: کاوشیار، جنگل.
- ۳۳- موسویان. عباس (۱۳۷۵). کلیات نظام اقتصادی اسلام. قم: دارالثقلین.
- ۳۴- نقیبی مفرد، حسام (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۳۵- هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله (۱۳۹۵). الگوی سوم، الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه. قم: لشکر فرشتگان.
- ۳۶- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۶). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت.
- ۳۷- وست چرچمن، چارلز (۱۳۶۹). نظریه سیستم‌ها. ترجمه رشید اصلانی. تهران: مرکز مدیریت دولتی.

Presenting a Model of the Position of Women in the Governance of the Islamic Republic of Iran

Mohsen Afrough¹, Saeed Baghestani^{2*}

1- Ph.D. student of political science at Imam Khomeini Institute, Qom, Iran.

afroughmohsen@yahoo.com

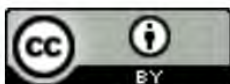
2- Associate Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini Institute, Qom, Iran.
(Corresponding Author)

. baghestani123@gmail.com

Abstract

The Islamic Revolution disrupted the bipolar world system and introduced a new idea of a new sovereignty that considers sovereignty to be God's. This system bases its principles and frameworks on Islamic ideology, upon which ideals, goals, programs, and policies are designed and implemented. Good governance is one of the supreme goals of the Islamic system. To achieve high governance and global civilization, Islamic society needs to provide a plan for all its actors and participants. Therefore, since more than half of the population is made up of "women", the Islamic government is required to set an example for them in its governance. This study uses a descriptive-analytical method to explain Islamic sovereignty and raised requirements. The result of this study is the Islamic governance pattern in the field of women, with an explanation of related indicators. The research findings should be followed in a systematic and interconnected manner across three systems: epistemology-philosophical, value-motivating, and structural. In fact, to achieve the model of women's governance, the three systems must operate in a specific geometry, resulting in the example of the "third model of women."

Keywords: Woman, Model, Islamic governance, Islamic Republic, Structure.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)